

# نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتولید نابرابری آموزشی

دکتر محمود شارع پور \*

## چکیده

شکی نیست که موفقیت آموزشی هر دانش‌آموزی تا حدودی وابسته به ویژگی‌های فردی او است، اما نباید فراموش کرد که دانش‌آموز به عنوان عضوی از مدرسه، خانواده و اجتماع، ممکن است به منابع و حمایت‌های مختلفی دسترسی داشته باشد که در موفقیت آموزشی او تأثیر مهمی بیافریند.

دیدگاه شبکه با مطالعه روابط اجتماعی بین مجموعه‌ای از افراد، به تحلیل ساخت اجتماعی می‌پردازد و ضمن توجه به کل ساخت، الگوی روابط موجود در داخل ساخت را نیز بررسی می‌کند. بنابراین نقطه تمرکز دیدگاه شبکه این است که به جای تأکید بر کنشگران و ویژگی‌های فردی آنان، ساختار روابط بین کنشگران را مورد توجه قرار می‌دهد. در مقاله‌ی حاضر ابتدا به تعریف شبکه‌ی اجتماعی و کارکرد آن می‌پردازد. سپس شبکه به مثابه سرمایه‌ی

اجتماعی فردی بررسی شده و در نهایت با استفاده از تحلیل شبکه‌ای، چارچوب مفهومی جدیدی برای تبیین نابرابری آموزشی ارائه می‌گردد. از دیدگاه تحلیل شبکه‌ای، برخورداری از رابطه‌ی حمایتی با عاملان نهادی شرط لازم برای پیشرفت در نظام آموزشی و همچنین موفقیت شغلی در آینده است.

**کلید واژه‌ها:** نابرابری آموزشی، شبکه‌ی اجتماعی، تحلیل شبکه، منابع اجتماعی، حمایت اجتماعی

## مقدمه

محققان بر این نکته توافق دارند که اساس موفقیت در جامعه‌ی شایسته سالار، نظام آموزشی است (کرخوف<sup>۱</sup> ۱۹۹۵؛ گنزبوم، تریمن و اولتی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱). اما در مورد این که چگونه می‌توان موفقیت آموزشی را تقویت کرد، اختلاف نظر زیادی وجود دارد. آیا منابع مالی و مادی و سرمایه‌گذاری در مدرسه سبب افزایش موفقیت تحصیلی می‌شود؟ آیا در این موفقیت، منابع و امکانات خانوادگی مؤثر هستند؟

یکی از مهم‌ترین آثار پژوهشی در این زمینه، مطالعه‌ی جیمز کلنن با عنوان «برابری فرصت‌های آموزشی» است که در واکنش به انتقاد برخی از افراد در مورد فقدان فرصت‌های برابر صورت گرفت. نتیجه‌ی قابل توجه تحقیق کلنن این بود که در تبیین تفاوت در موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان، خاستگاه خانوادگی به مراتب مهم‌تر از ویژگی‌های مدرسه و منابع آن است (به نقل از شارع پور ۱۳۸۶). به دنبال کلنن، محققان دیگری به بررسی تأثیر خاستگاه خانوادگی بر موفقیت تحصیلی پرداختند (سوول، هوزر، ولف<sup>۳</sup> ۱۹۸۰). در مقابل، برخی دیگر از محققان کانون تمرکز خود را بر تأثیر ویژگی‌های مدرسه بر موفقیت تحصیلی قرار دادند (هلینان<sup>۴</sup> ۱۹۸۸، انتویستل و الکساندر<sup>۵</sup> ۱۹۹۳).

در دهه‌های پایانی قرن بیستم، رهیافت جدیدی در خصوص تبیین نابرابری آموزشی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش پدیدار شد که فارغ از تقابل اهمیت نسبی خانواده با مدرسه، در تحلیل رفتارهای اجتماعی به الگوی روابط بین کنشگران توجه دارد.

1-Kerckhoff

2-Ganzeboom, Treiman and Ultee

3-Sewell, Hauser and Wolf

4-Hallinan

5-Entwistle and Alexander

در طول این مدت تحلیل شبکه‌ای یا ساختاری، توجه عده زیادی را به خود جلب کرده است. برخی با این ادعا که تحلیل شبکه‌ای صرفاً نوعی روش شناسی است که به موضوعات نظری توجه‌ای ندارد، آن را رد می‌کنند. برخی نیز مفاهیم شبکه‌ای را به عنوان مجموعه‌ای از متغیرهای اضافی برای تبیین مفاهیم دیگر، به کار می‌برند. اما واقعیت این است که قدرت تحلیل شبکه‌ای ناشی از نوع رهیافت آن نسبت به مطالعه‌ی ساختار اجتماعی است نه به عنوان مجموعه‌ای از اصطلاحات و تکنیک‌ها. تحلیل شبکه‌ای را باید یک رهیافت فکری عام و گسترده دانست، نه مجموعه‌ای از روش‌ها (ولمن<sup>۱</sup> ۱۹۸۳).

تأکید تحلیل‌گران شبکه‌ای بر مطالعه‌ی ساختار اجتماعی<sup>۲</sup> است. تأکید بر ساختار اجتماعی بدین معناست که ما دیگر کاری نداریم که چرا مردم این گونه رفتار می‌کنند، بلکه بر محدودیت‌های ساختاری حاکم بر کنش‌های مردم توجه داریم. بدین ترتیب، دیگر به جهان به صورت پیوندهای ارادی و داوطلبانه نمی‌نگریم، بلکه جهان را مجموعه‌ای از پیوندهای نامتقارن با ساختار سلسله مراتبی می‌دانیم. در یک نظام اجتماعی، منابع دارای توزیع مساوی یا تصادفی نیستند و از سوی دیگر، دسترسی نابرابر به منابع کمیاب، خود سبب می‌شود که نامتقارن بودن پیوندها افزایش یابند.

بهترین روش برای مطالعه‌ی ساختار اجتماعی، تحلیل الگوهای روابط بین اعضای آن ساختار است. تحلیل‌گر ساختاری به دنبال شناسایی ساختارهای عمیق است، او می‌کوشد نشان دهد که چگونه ساختارهای شبکه‌ای، رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به همین جهت (ولمن و برکویتز، ۱۹۸۸) مدعی هستند که تحلیل شبکه یک ابزار فکری اساسی در مطالعه‌ی ساختارهای اجتماعی است. فارارو نیز تحلیل شبکه را نوعی رهیافت نظری تلقی می‌کند و آن را شاخه‌ای از ساخت‌گرائی می‌داند (چلبی، ۱۳۸۵: ۶۰).

1- Wellman and Berkowitz

2- Social structure

می‌توان گفت که تأکید تحلیل شبکه‌ای بر اثرات روابط اجتماعی بر رفتار افراد و گروه‌ها زائد است.

دیدگاه شبکه با مطالعه‌ی روابط اجتماعی بین مجموعه‌ای از افراد، به تحلیل ساخت اجتماعی می‌پردازد و ضمن این‌که به کل ساخت توجه می‌کند، الگوی روابط موجود در داخل ساخت را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین نقطه تمرکز دیدگاه شبکه این است که به جای و تأکید بر کنشگران و ویژگی‌های فردی آنها، به ساختار روابط بین کنشگران توجه می‌نماید.

الگوهای پیوند بین اعضای یک شبکه، هم نوعی فرصت و هم نوعی محدودیت می‌باشد، زیرا این الگوها بر میزان دسترسی افراد به منابع نظیر اطلاعات، ثروت و قدرت اثر دارند. از دیدگاه تحلیل گر شبکه‌ای، نظام اجتماعی به صورت شبکه‌ای از روابط به هم وابسته است که در آن افراد دسترسی یکسانی به منابع کمیاب ندارند. از این رو محقق اجتماعی باید در تبیین رفتار به توزیع فرصت‌ها توجه کند، یعنی دسترسی نابرابر به منابع مثل اطلاعات، ثروت، نفوذ و ساختار دسترسی افراد به این منابع (ولمن، ۱۹۸۳).

تحلیل گران شبکه‌ای اگر چه نظریه عمومی خاصی را به وجود نیاورده‌اند اما راههای جدیدی برای توصیف ساختار اجتماعی پدید آورده‌اند، مانند تبیین نابرابری دانش‌آموزان در موفقیت تحصیلی.

مقاله حاضر ابتدا به تعریف شبکه‌ی اجتماعی پرداخته و کارکردهای آن را مورد بحث قرار می‌دهد. سپس شبکه به مثابه سرمایه‌ی اجتماعی فردی بررسی و در نهایت با استفاده از تحلیل شبکه‌ای، چارچوب مفهومی جدیدی برای تبیین نابرابری در آموزش و پرورش معرفی می‌گردد.

## شبکه اجتماعی چیست؟

افراد اغلب برای دستیابی به اطلاعات، منابع و موقعیت‌ها به روابط شخصی و نزدیکان خود متکی هستند. این روابط، شبکه‌ی اجتماعی فرد را تشکیل می‌دهد و آن به نوبه خود سیستم اجتماعی را به وجود می‌آورد. دانشمندان اجتماعی از مفهوم شبکه‌ی اجتماعی برای اشاره به سیستم پیچیده‌ی روابط بین افراد در سیستم اجتماعی استفاده کرده‌اند (کراول<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). شبکه‌ی اجتماعی یا منبع تولیدکننده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، ترکیبی از کنشگران (کنشگران لزوماً افراد نیستند، بلکه سازمان‌ها و گروه‌ها را نیز در برمی‌گیرند) و روابط بین آنهاست. به عبارت دیگر، شبکه‌ی اجتماعی، الگویی از روابط است که کنشگران را به هم متصل می‌کند. شبکه‌ی اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از افراد یا سازمان‌ها یا مجموعه‌های دیگر اجتماعی دانست که از طریق روابط اجتماعی مانند دوستی، همکار بودن یا تبادل اطلاعات با یکدیگر مرتبط می‌شوند. بدین ترتیب، شبکه‌ی اجتماعی، الگویی ارتباطی است که مردم را به هم متصل می‌کند و یا پیوندهایی است که افراد را با گروه‌هایی از مردم مرتبط می‌سازد (باستانی، ۱۳۸۲).

## کارکردهای شبکه اجتماعی

روابط و پیوندهای اجتماعی در نظریه‌ی تحلیل شبکه به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی و دارایی فرد محسوب می‌شوند و فرد از طریق آنها می‌تواند بر منابع و حمایت‌های موجود در این پیوندها دسترسی یابد، بنابراین کم و کیف روابط اجتماعی، میزان و نحوه‌ی تعاملات و نوع حمایت‌هایی که رد و بدل می‌شود از اهمیت زیادی برخوردار است (صالحی، ۱۳۸۴). به عقیده‌ی براندت و وینرت<sup>۲</sup> حمایت اجتماعی موجب ایجاد تعلق، صمیمیت، یکپارچگی اجتماعی و دستیابی به حمایت‌های اطلاعاتی، عاطفی و ابزاری می‌شود (به نقل از خیراله پور، ۱۳۸۳). پیوندهای گوناگون، حمایت‌های اجتماعی

1-Crowell

2-Brandt and Winert

متنوعی را برای اعضای شبکه فراهم می‌سازند. کراول معتقد است با تنوع روابط، افراد به طیف وسیعی از حمایت‌های مختلف دست می‌یابند که شامل حمایت‌های ابزاری<sup>۱</sup>، حمایت‌های عاطفی و روحی<sup>۲</sup> و حمایت‌های اطلاعاتی<sup>۳</sup> است. حمایت‌های اجتماعی افراد را قادر می‌سازد تا توانایی رویارویی با مشکلات روزمره و بحران‌های زندگی را داشته باشند (کراول، ۲۰۰۴).

کارکردهای روابط و پیوندهای اجتماعی در دو سطح فردی و جمعی مطرح می‌شود: **الف-** در سطح فردی شبکه‌ی روابط فرد، وسیله‌ی مهمی برای اندازه‌گیری حمایت روحی و روانی دیگران از او می‌باشد. به اعتقاد بات<sup>۴</sup>، شبکه، پیرامون شخص را از دوستان و خویشاوندانی پر می‌سازد که به زندگی او معنا می‌بخشند؛ هنجارهایی را که او با آنها رفتارش را تنظیم می‌کند برقرار و حفظ می‌نماید و او را در برابر جهان غیرشخصی فرا سویش محافظت می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵). به عقیده‌ی وارن<sup>۵</sup> (۱۹۸۱) شبکه‌های اجتماعی می‌توانند نقشی مهم در رفع نیازهای فیزیکی، روانی، اجتماعی و اقتصادی ایفا نمایند. اعضای شبکه می‌توانند به فرد کمک مستقیم کرده و به او در گسترش تماس‌های خود یاری کنند. به علاوه، اعضای شبکه می‌توانند کمبودهای فرد در زمینه‌ی خاستگاه خانوادگی و توانایی فردی را تا حدود زیادی بر طرف سازند. در تعیین ظرفیت شبکه جهت تامین منابع برای فرد، ویژگی‌های ساختاری شبکه مانند: حجم، پیوندها و نوع اعضا نقش مهمی را ایفا می‌کنند (کراول، ۲۰۰۴).

از کاربردهای مهم دیگر شبکه‌ی اجتماعی، ارائه اطلاعات در مورد فرصت‌های زائد است، به خصوص فرصت‌های شغلی. در این زمینه، پیوندهای ضعیف نقش مهم‌تری دارند؛ چون پل‌هایی هستند که فرد از طریق آنها به منابع موجود در نظام متصل می‌شود

---

1- Instrumental support

2- Emotional and spiritual support

3- Informational support

4- Botte

5- Warron

(بارت، ۱۹۹۲). گرانووتر معتقد است که بسیاری از افراد، کار خود را از طریق تماس‌های شخصی پیدا می‌کنند. این امر در مورد انواع مشاغل یدی، فنی، حرفه‌ای و مدیریتی صادق است (گرانووتر، ۱۹۸۴). او در اثر معروف خود با عنوان مطالعه تماس‌ها و شغل‌ها، به تحلیل اهمیت شبکه‌های ارتباطی در فرآیند جستجوی کار پرداخته است. همچنین با مطالعه‌ی افرادی که همه آنها در یکسال گذشته کار خود را عوض کرده بودند، به این نتیجه رسید که آنها اطلاعات مربوط به کار فعلی خود را از طریق تماس‌ها و شبکه‌های فردی به دست آوردند. پس می‌توان گفت که ساختار شبکه‌های اجتماعی تأثیری مهم بر کارایی و تحرک شغلی دارد؛ به عبارت دیگر، روابط اجتماعی و شبکه‌ها عاملی مهم در قشربندی اجتماعی هستند.

ب- در سطح جمعی شبکه‌ی روابط اجتماعی، هر چه روابط امداد رسانی داوطلبانه در ابعاد مختلف معرفتی (راهنمایی، مشاوره و آموزش)، مادی (کمک اقتصادی)، عاطفی (همدردی) و منزلتی (اعاده‌ی کرامت انسانی) بیش‌تر باشد، به همان نسبت میزان محرومیت اجتماعی، خودکشی، یأس اجتماعی، استثمار اجتماعی و انفعال اجتماعی در جامعه کاهش می‌پذیرد. امداد رسانی در روابط حمایتی به افرادی که به هر دلیل در یکی از این ابعاد محروم باقی مانده‌اند، فرصتی دوباره می‌دهد که استعدادهای منحصر به فرد خود را شکوفا سازند تا بتوانند در جهت خیر شخصی و جمعی گام بردارند. بدیهی است میزان موفقیت روابط حمایتی جامعه به میزان شدت روابط و تداوم این روابط به عنوان یک وظیفه و عادت اجتماعی بستگی دارد. بسط و گسترش روابط دوستی در جامعه باعث افزایش کمک دو جانبه، تعهد مشترک و سرخوشی می‌شود. شیوع این آثار در جامعه منوط به تنیدگی‌هایی است که حداقل به صورت پیوندهای ضعیف (پل‌های ارتباطی آشنایی) بین گروه‌ها توأم با گرایش عامگرایی صورت می‌گیرد. زمانی که روابط اجتماعی در جامعه دچار اختلال شود احترام متقابل اجتماعی، انصاف اجتماعی و هویت اجتماعی در جامعه کمرنگ و محدود می‌گردد. فصل یا وصل ناقص افراد در جامعه،



آنها را در مقابل شداید اجتماعی، ناملايمات سياسى، بحران‌هاى اقتصادى و حوادث قهرى آسیب پذير مى‌سازد. بریدگی اجتماعی، پیامدهای اجتماعی، سياسى، فرهنگى و روانى گوناگون در سطح خرد و کلان دارد (چلبى، ۱۳۷۵).

مطالعات مختلف نشان مى‌دهد که دست‌يابی به اطلاعات، بهره‌مندی از راهنمایی، پند و اندرز، دلگرمی‌احساسى، حمايت عاطفى و مساعدت مالى و ... از جمله منابع و مواهبي است که از پرتو تعاملات اجتماعى حاصل مى‌شود و افراد را قادر مى‌سازد تا در حوزه‌هاى مختلف زندگى (اقتصادى، اجتماعى، سياسى و فرهنگى) به موفقیت‌هاى بیش‌ترى دست يابند. اکنون اين تصور در اذهان تقويت شده است که موفقیت و عدم موفقیت افراد، در زندگى، منحصر به توانايى مالى و دارايى آنها نیست، بلکه به ميزان بالايى به نحوه‌ی تعامل آنها با ساير اعضاى جامعه بستگى دارد (امير كافى، ۱۳۷۴).

کشف منابع نهفته در روابط و پیوندهای اجتماعی و آشکار شدن نقش و اهمیت آنها در دو سطح خرد و کلان، توجه نظریه‌پردازان اجتماعى را به اين نکته‌ی مهم جلب کرده است که ریشه‌ی بسيارى از مشکلات جامعه را بايد در اين حوزه جستجو کرد. به همین دلیل آنها در مورد هر عاملی که موجب قطع، تضعیف یا اختلال در روابط و پیوندهای اجتماعى مى‌شود یا به آن آسیب مى‌رساند، هشدار مى‌دهند و افراد جامعه را از پیامدهای آن آگاه مى‌سازند. از جمله پیامدهای اختلال در روابط اجتماعى، انزوای اجتماعى است که به فرآیند فروپاشی روابط بين شخصى، مسدود شدن ارتباطات و کناره‌گیری از تماس‌هاى اجتماعى دلالت دارد و محققان و دانشمندان اجتماعى آن را زمینه ساز بروز بسيارى از اختلالات رفتارى و روانى مى‌دانند. آنها معتقدند ریشه‌ی بسيارى از مشکلات روانى و اجتماعى همانند تنیدگى، تنش، استیصال، اضطراب، افسردگى، یأس و ناامیدى، احساس عجز، احساس تنهائی، کاهش تحمل اجتماعى و ... در روابط اجتماعى قرار دارد و از پیامدهای منفى و جدا ناپذير انزوای اجتماعى مى‌باشد (اميرکافى، ۱۳۷۴).

همچنین شبکه‌ی اجتماعى باعث دسترسى افراد به اطلاعات درباره‌ی موقعیت‌هاى کارى و بازارکار مى‌شود (کراول، ۲۰۰۴). مطالعات انجام شده درباره شبکه‌هاى اجتماعى

نشان می‌دهد که از عوامل مؤثر برای موفقیت در بازار کار این است که چه کسانی را می‌شناسیم. الگوهای بازار کار بیانگر آن است که مزایای استفاده از تماس‌ها برای پیدا کردن کار بستگی به این دارد که فرد چگونه به شبکه‌های ارتباطی<sup>۱</sup> متصل شده است. البته تنها استفاده از این تماس‌ها مهم نیست، بلکه کمیت و کیفیت منابع اجتماعی، که از طریق استفاده از تماس‌ها قابل دستیابی هستند نیز مهم است.

### شبکه به مثابه سرمایه‌ی اجتماعی فردی

برخی از محققان نظیر بوردیو، فلپ، اریکسون، و لین، سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع می‌دانند که فرد می‌تواند از آن‌ها برای نیل به اهداف فردی خود استفاده کند. این رهیافت بیش‌تر به ارزش ابزاری سرمایه‌ی اجتماعی توجه دارد، زیرا توجه آن معطوف به پتانسیل‌های شبکه‌های اجتماعی برای تولید منابع ارزشمندی نظیر حمایت و اطلاعات است. لین نیز سرمایه‌ی اجتماعی را منابع موجود در ساختار اجتماعی می‌داند که می‌توان به آن‌ها دسترسی داشت (لین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). وندرگاگ و اشنایدر<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) معتقدند که سرمایه‌ی اجتماعی فردی، مجموعه‌ای از منابع است که اعضای شبکه‌ی فردی از آن برخوردارند و فرد می‌تواند از طریق رابطه با این افراد، به آن منابع دسترسی یابد. پس می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی به معنی دسترسی به منابع اجتماعی است. در واقع، بررسی ترکیب و ساختار شبکه‌های فردی در دهه‌های پایانی قرن بیستم رواج زیادی یافت، نظیر مطالعات ولمن، فیشر و اریکسون.

1-Contact network

2- Lin

2-Van der Gaag, M. and Snijders

## ارائه چارچوب مفهومی جدیدی برای مطالعه نابرابری آموزشی

تبیین‌های کلاسیک در مورد علت تفاوت در پایگاه اجتماعی جوانان در جامعه اغلب متکی بر توجه به تحرک بین نسلی<sup>۱</sup> است. بر اساس این رهیافت، رابطه‌ی نزدیکی بین تأثیر «دیگران مهم»<sup>۲</sup> و آرزوها و موفقیت تحصیلی وجود دارد (سوول و هوزر، ۱۹۸۰). به عبارت دیگر، در تحقیقات مربوط به پایگاه اجتماعی تأکید بر این است که دیگران مهم یعنی والدین، گروه دوستان و معلمان بر آرزوهای تحصیلی و همچنین موفقیت شغلی دانش‌آموز تأثیر مهمی دارند (دانکن، هالر و پورتز، ۱۹۶۸<sup>۳</sup>). در این دیدگاه اعتقاد بر این است که تأثیر دیگران مهم بر آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموز از طریق مکانیسم‌های مدل سازی، تشویق آشکار و انتقال انتظارات به دانش‌آموز صورت می‌گیرد.

به علاوه، بسیاری از تحقیقات آموزشی نشان داده است که سطح انتظارات و آرزوها، نقش بسیار مهمی در موفقیت تحصیلی و شغلی فرد دارند، اما در این زمینه بیش‌تر بر تأثیر والدین از طریق الگوسازی و تشویق تأکید شده است (سوول و هوزر، ۱۹۸۰؛ هالر و ولفل، ۱۹۷۲<sup>۴</sup>). همان‌طور که کرخوف (۱۹۷۶) بیان داشته، تأثیر خاستگاه خانوادگی بر دانش‌آموز تا حدود زیادی تحت تأثیر دسترسی مردم به اطلاعات در مورد نظام آموزشی است. از این جاست که پیوندها و شبکه‌ها اهمیت می‌یابند.

در تحلیل شبکه‌ای، کانون توجه از نقش مدل‌سازی<sup>۵</sup> دیگران مهم تغییر یافته و به انتقال نابرابر منابع و فرصت‌ها معطوف می‌شود. در همین راستا و لمان مفهوم توزیع اجتماعی را مطرح کرد. منظور از این مفهوم، یعنی توزیع نابرابر فرصت‌های دستیابی به شرایط اجتماعی مختلف و برقراری رابطه با افرادی که کنترل منابعی نظیر اطلاعات بازار کار و نفوذ بوروکراتیک را در اختیار دارند.

1- Intergenerational mobility

2- Significant others

3- Duncan, Haller and Portes

4- Haller and Woelfel

5- Role modeling

در مطالعه‌ی نابرابری آموزشی، تاکید تحلیل شبکه‌ای بر این است که چگونه موفقیت در نظام آموزشی، به خصوص برای کودکان طبقات پایین اجتماعی و گروه‌های اقلیت، بستگی به برقراری رابطه‌ی حمایتی<sup>۱</sup> با عاملان نهادی<sup>۲</sup> دارد. منظور از عاملان نهادی افرادی هستند که می‌توانند منابع و فرصت‌ها را به دیگران منتقل کنند؛ مثلاً اطلاعات در مورد برنامه‌های مدرسه، مشاوره‌ی تحصیلی و شغلی. بخش مهمی از این عاملان نهادی در خارج از خانه قابل دسترسی هستند، یعنی در محیط مدرسه و در اجتماع. از این لحاظ می‌توان گفت که تعدادی از آن‌ها در مدرسه هستند، نظیر معلم و مشاور و تعدادی دیگر در بیرون از مدرسه قابل دسترسی هستند، نظیر افراد با نفوذ محلی. البته برخی از دوستان مدرسه‌ای نیز می‌توانند نقش عامل نهادی را ایفا کنند، مانند آن دسته از دوستانی که از پایگاه اجتماعی بالاتری برخوردارند، زیرا دانش‌آموز می‌تواند اطلاعات و منابع مهمی از طریق این دوستان به دست آورد.

این عاملان نهادی می‌توانند به اشکال مختلفی به فرد کمک کنند، مانند انتقال اطلاعات مربوط به برنامه‌ی درسی آشکار و پنهان، بیان شرایط لازم برای موفقیت آموزشی، کمک به تصمیم‌گیری تحصیلی و شغلی، اطلاع‌رسانی در مورد امکانات موجود در مدرسه و جامعه و همچنین نحوه‌ی دسترسی به این امکانات. پیش فرض تحلیل شبکه‌ای این است که برخورداری از رابطه‌ی قوی با عاملان نهادی، شرط لازم برای پیشرفت در نظام آموزشی و در نهایت موفقیت شغلی در آینده است.

باید توجه داشت که برقراری رابطه و پیوند با عاملان نهادی به آسانی صورت نمی‌گیرد؛ به خصوص برای افراد متعلق به گروه‌های اجتماعی اقلیت و در حاشیه قرار گرفته. تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی نشان داده است که جستجوی حمایت اغلب با دشواری‌هایی همراه است (دوپالو، نادلر و فیشر، ۱۹۸۳<sup>۳</sup>). مطالعات حاکی از این است

1- Supportive relationships

2- Institutional agents

3- Depaulo, Nadler and Fisher

که برای برقراری رابطه با عاملان نهادی هم گروهی موانع روانی و فردی وجود دارد، نظیر فردگرایی افراطی<sup>۱</sup> و هم یک گروه ساختاری، مثل فاصله اجتماعی و عدم اعتماد (آمس، ۱۹۸۳<sup>۲</sup>، سانچز- یانکوفسکی، ۱۹۹۱<sup>۳</sup>). به علاوه، برقراری رابطه‌ی حمایتی با عاملان نهادی، ارتباط نزدیکی با آگاهی اجتماعی<sup>۴</sup> دانش‌آموز دارد؛ یعنی آن بخش از شخصیت که تحت تأثیر تعامل با اعضای جامعه شکل می‌گیرد (بورديو و پسون، ۱۹۷۷؛ آگبو، ۱۹۹۱<sup>۶</sup>).

به طور خلاصه می‌توان گفت که میزان تمایل فرد برای تعامل با عاملان نهادی بستگی به جهت‌گیری شبکه‌ی<sup>۷</sup> او دارد. دو بعد مهم این جهت‌گیری عبارتند از: سطح اعتماد فرد به عاملان، مثل اعتماد دانش‌آموز به معلم و مشاور و انتظار دانش‌آموز از آینده. پس هم عوامل اجتماعی و هم عوامل روانی تأثیر مهمی بر جهت‌گیری شبکه دانش‌آموز دارند.

اهمیت وجود پیوند با عاملان نهادی را می‌توان در چارچوب نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی مورد بررسی قرار داد. از دیدگاه شبکه‌ای، منظور از سرمایه‌ی اجتماعی آن دسته از روابط اجتماعی است که فرد از طریق آنها می‌تواند به حمایت نهادی دست یابد. به طور مسلم از این لحاظ بین دانش‌آموزان تفاوت‌های مهمی وجود دارد. بدین ترتیب، می‌توان انتظار داشت که بین انتظارات و عملکرد دانش‌آموزان با میزان پیوند آنان با عاملان نهادی رابطه‌ی نزدیکی وجود داشته باشد.

با الهام از نظریه‌ی منابع اجتماعی<sup>۸</sup>، که از سوی لین مطرح شده، نقش سرمایه‌ی اجتماعی در کسب پایگاه اجتماعی را می‌توان در قالب این گزاره مهم بیان کرد که دسترسی به پیوندهای اجتماعی و استفاده از آنها سبب می‌شود دانش‌آموز به منابع

---

1- Excessive individualism

2- Ames

3- Sanchez-Jankowski

4- Social consciousness

5- Bourdieu and Passeron

6- Ogbu

7- Network orientation

8- Social Resource Theory

ارزشمند و حمایت نهادی دست یابد که قبلاً در اختیار نداشت. به همین جهت در تحقیقات آموزشی بر اهمیت حمایت اجتماعی در موفقیت تحصیلی تأکید زیادی صورت گرفته است. پژوهش‌های زیادی مؤید وجود رابطه بین پیوندهای اجتماعی و موفقیت تحصیلی است (لی و کرونینگر،<sup>۱</sup> ۱۹۹۴؛ سوچو و داگلاس،<sup>۲</sup> ۱۹۹۶؛ بریک و شنایدر،<sup>۳</sup> ۲۰۰۲). جیمز کلنن در همین راستا معتقد است که روابط اجتماعی قوی می‌تواند اثرات مثبتی داشته باشد، چون نوعی سرمایه اجتماعی پدید می‌آورد که در موفقیت تحصیلی دانش‌آموز موثر است.

باید توجه داشت که هر نوع رابطه‌ای را نمی‌توان سرمایه‌ی اجتماعی دانست. در این زمینه باید به سه ملاک توجه داشت:

- ۱- آیا این پیوند و رابطه منجر به حمایت نهادی می‌شود؟
  - ۲- منابع حاصل شده از چه سطح کیفیتی برخوردار است؟ مثلاً آیا اطلاعات حاصل از آن دقیق و صحیح است؟ آیا داشتن این اطلاعات امتیاز محسوب می‌شود؟
  - ۳- تا چه حد این حمایت و منابع به دست آمده با نیازهای فرد تناسب دارند؟
- بدین ترتیب، تحلیل شبکه‌ای به ما اجازه می‌دهد تا با بررسی الگوهای رابطه‌ای، منابع موجود در شبکه‌ی دانش‌آموز و میزان پیوند او با عواملان نهادی را تعیین کنیم. این اطلاعات می‌تواند در تبیین نابرابری آموزشی بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزی کمک مؤثری باشد، زیرا توزیع نابرابر سرمایه‌ی اجتماعی در بین گروه‌های مختلف می‌تواند سبب بازتولید نابرابری‌های اجتماعی از جمله نابرابری آموزشی در بین دانش‌آموزان شود.

---

1- Lee and Croninger

2- Sui-chu and Douglas

3- Bryk and Schneider

## منابع

## فارسی

- امیر کافی، مهدی (۱۳۷۴). *اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن*. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- باستانی، سوسن (۱۳۸۲). *جزوه‌ی درس تحلیل شبکه*، دانشگاه الزهرا.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۳). *تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی*، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نشر نی.
- خیرالله پور، اکبر (۱۳۸۳). *بررسی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت روانی با تأکید بر سرمایه اجتماعی*، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات سمت.
- صالحی، مریم (۱۳۸۴). *بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی و جنسیت*، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، تهران.

## انگلیسی

- Ames, R. (1983). Help seeking and achievement orientation: Perspectives from attribution theory, In Depaulo, B.M., Nadler, A. and Fisher, J.D. (Eds.), *New directions in helping*. New York: Academic Press.
- Bourdieu, P. and Passeron, J.C (1977). *Reproduction in education, society and culture*, London: Sage Publications.
- Bryk, A.S. and Schneider, B. (2002). *Trust in schools: A cored resource for improvement*, New York: Russell Sage Foundation.
- Burt, R.S. (1992). *Structural holes: The social structure of competition*, Cambridge MA: Harvard University Press.
- Crowell, L.F. (2004). Weak ties: A mechanism for helping women to expand their social networks and increase their capital, *The Social Science Journal*, 41: 15-28.
- Depaulo, B.M., Nadler, A. and Fisher, J.D. (1983). *New directions in helping*, Vol. 2, Help Seeking, New York: Academic Press.
- Duncan, O.D., Haller, A.O., and Portes, A. (1968). Peer influences on aspirations: A reinterpretation, *American Journal of Sociology*, 74: 119- 137.

- Entwistle, D.R., and Alexander, K.L. (1993). Entry into school: The beginning school transition and educational stratification in the United States, *Annual Review of Sociology*, 19: 401- 423.
- Ganzeboom, H.B.G., Treiman, D.J., and Ultee, W. (1991). Comparative intergenerational stratification research: Three generations and beyond, *Annual Review of Sociology*, 17: 277-302.
- Granovetter, M. (1984). The strength of weak ties: A network theory revisited, *Sociological Theory*, Vol. 10: 201-233.
- Haller, A.O., and Woelfel, J. (1972). Significant others and their expectations: concepts and instruments to measure interpersonal influence on status aspirations, *Rural Sociology*, 37: 591- 622.
- Hallinan, M.T. (1988). Equality of Educational Opportunity, *Annual Review of Sociology*, 14: 249- 268.
- Kerckhoff, A.C. (1995). Institutional arrangements and stratification processes in industrial societies, *Annual Review of Sociology*, 15: 323-347.
- Kerckhoff, A.C. (1976). The status attainment process: Socialization or allocation?, *Social Forces*, 55: 368-381.
- Lee, V. and Croninger, R.G. (1994). The relative importance of home and school in the development of literacy skills for middle-grade students, *American Journal of Education*, 102: 286- 329.
- Lin, N. (2001). *Social capital: A theory of social structure and action*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Lin, N., and Dumin, M. (1986). Access to occupations through *social ties*, *Social Networks*, 8: 365-385.
- Ogbu, J.U. (1991). Low school performance as an adaptation, In M.A. Gibson and J.U. Ogbu (Eds.), *Minority status and schooling*, New York: Garland Press.
- Sanchez-Jankowski, M. (1991). *Islands in the street: Gangs and American urban society*, Berkeley: University of California Press.
- Sewell, W.H., and Hauser, R.M. (1980). The Wisconsin longitudinal study of social and psychological factors in aspirations and achievements, *Research in Sociology of Education and Socialization*, 1: 59-99.
- Sewell, W.H., Hauser, R.M., and Wolf, W. (1980). Sex, schooling and occupational status, *American Sociological Review*, 52: 269-275.
- Sui-chu, E.H. and Douglas, W.J. (1996). Effects of parental involvement on grade achievement, *Sociology of Education*, 69: 126-141.
- Van der Gaag, M. and Snijders, T. (2002). An approach to the measurement of individual social capital, In H. D. Flap and B. Volker (Eds), *Creation and returns of social capital*, London: Routledge.
- Warren, D.I. (1981). *Helping networks: How people cope with problems in the urban community*, Notre Dame: University of Notre Dame Press.
- Wellman, B. (1983). Network analysis: Some basic principles, *Sociological Theory*, Vol. 8: 155-200